

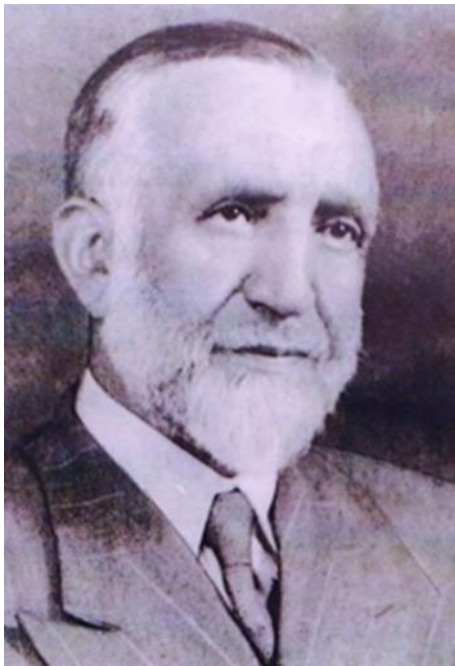


۰۴/۱۱/۲۰۲۲

احسان لمر

«استاد محمد انور بسمل»

در سال [1263 ش - 1884 م]، درگذر مراد خانی شهر کابل متولد و در مکتب حبیبیه دوره سراجیه و استادان سترگ آنجا درس علوم عصر و مبارزه برای آزادی و حریت کشور را آموخت تا در جنبش اول مشروطه عضویت حاصل نموده و با آنها زندانی هم شد [1909 م]، در زندان از «میر سید قاسم خان» عربی و منطق آموخت.



در دوره امانیه ابتدا به صفت حاکم جرم بدخشان ایفای وظیفه نمود در این زمان که «نادر خان» رئیس تنظیمه قطغن [معادل امر زون شمال امروزی] بود جریده اصلاح را اساس گذاشت و این بیت بسمل را با خط جلی در پهلوی عنوان آن نوشتند :

وقت آن است که دل و جان همه ایثار کنیم

پی اصلاح وطن کوشش بسیار کنیم

« محمد رحیم شیون ضیائی» یک نمونه از عمق وطندوستی و سلامتی وجدان بسمل این شیفته وطن و مردم کشور را در خاطرات چنین می نویسد :

"یکی از مسائل مورد مناقشه سرحدی بین افغانستان و روسیه شوروی مساله تعلق داشتن جزیره درق [درق] بود"

در سال 1917 - 1918 هنگامی که هیئت افغانی که در راس آن محمد

انور بسمل فرزند ناظر صفر خان قرار داشت برای پیشبرد این مذاکرات به بخارا رفته بود پادشاه بخارا به محمد انور بسمل رشوه یک میلیون تنگه [واحد پولی آنزمان بخارا که معادل هر تنگه سی پول افغانی میشد .ا. لمر] را در قبال پذیرش جزیره درق پیشنهاد نمود، محمد انور بسمل مثل یک فرزند صادق و وطنپرست این پیشنهاد امیر بخارا را با جدیت رد کرد و اظهار داشت که قرار داد قرار داد است و باید آنرا مراعات نمود.¹

بقول نواسه استاد بسمل در دوره امانیه گر چند خودش هیچ ارتباطی و آگاهی از توطئه برادرش نداشت "اما برای اینکه در آینده کدام سوال مشتمل کننده یا نظر سوء تبارز نکرده باشد «بسمل» از شاه خواست تا در ادامه جزای برادرش و ضبط اموال فامیلی شان او را هم حبس نماید. همانا طور لزومی و مصلحتی ، بنابر نزاکت موضوع در سال 1300 شمسی برای بار دوم «بسمل» در قید زندان سیاسی رفت ولی این محبوس گردیدنش نیز چندان زیاد طول نکشید بعد از رهایی از حبس مدت هفت سال به صفت حاکم در حکومتی های مختلف سمت شمال مقرر شده و در غرب کشور نیز بحیث حاکم سبزواری هرات ایفای وظیفه نمود"²

¹ - محمد رحیم شیون ضیائی - برگهای از تاریخ معاصر وطن ما - این اثر را غلام سخی غیرت ترجمه و عبدالشکور حکم به ادامه چاپ اول در کابل [1978 م] در پشاور بار دوم در [2001] نشر نموده بود.

² - کلیم الله ناظر. - مجموعه اشعار استاد انور بسمل - طبع شهر Rennes فرانسه

«بسمل» این بار در زندان به تصوف نقشبندیه و چشتیه روی آورده و تا اخیر عمر در این مکتب باقی ماند. در آغاز دوره «نادر خان» معاون نائب الحکومگی قطعن و بدخشان مقرر شد. در سال 1310 ش مجله ادبی کابل را انتشار داد. بعد در دارالتحریر شاهی به صفت مدیر تعیین گردید در این وقت وی به چله نشینی در زیارت «خواجه قطب الدین بختیار» پرداخت، غیبت دوامدار او در دارالتحریر شاهی «نادر خان» را مشوش ساخته وی را احضار و زندانی نمود، بعداً «استاد ابراهیم صفا» و «اسمعیل سودا» و سر انجام «ظاهر بسمل» را به غل و زنجیر بستند یک سال بعد شاه به قتل رسید رژیم باقی مانده فامیل «ناظر صفر» یعنی: «محمد اسلم بسمل زاده»، «محمد نعیم بسمل زاده» متعلم صنف ششم ابتدائیه، همچنان اطفال خورد سال «محمد اختر» یعنی «محمد اکبر» و «محمد هاشم» همه محبوس شدند. تنها زنان و دختران صغیر این فامیل بجای سرای موتی و سرای بادام در خانه شان تحت نظارت قرار گرفتند.

در اجتماع صدارت در چهلمین روز قتل شاه که غرض ابلاغ محکومیت قاتل «نادر خان» دایر شده بود «محمد غوث خان» نائب سالار و یک ملای عضو جمعیت العلماء و بعداً «عبدالاحد خان مایار» رئیس شورا، «عبدالغنی خان گردیزی» قلعه بیگی خواستار اعدام چهار نفر دیگر هم بودند که عبارتند از «محمد انور بسمل»، «عبدالهادی داوی»، «محمد سرور جویا» و «غلام محمد غبار». در این جریان باز هم فضل احمد خان مجددی حضرت شوربازار [وزیر عدلیه حکومت محمد هاشم خان] صدا مینماید که: " بجرم کشتن پادشاه اگر اعدام نشوند باید به جرم دهریت اعدام شوند" ³ تعجب آور است شخصی که به تصوف نقشبندیه و چشتیه رو آورده و هم چله نشینی نموده، دهری هم باشد و در تمام افغانستان آن هم یک نفر این فضل احمد مجددی بود که «دهری» بودن بسمل را دانست و پس!!!!؟؟ اینک چرا تلاش می شود نخبه گان کشور ما اعدام شوند، ما در طول تاریخ دیدیم که «سوداگران دین فروش» این هم یک عمل شان بود.

با ختم دوره صدارت «سردار هاشم خان»، «بسمل» بعد از 14 سال زندان آزاد و در وزارت معارف موظف گردید بعداً بریاست مرستون کابل، سپس در وزارت مالیه تا پست معین آن وزارت رسید و در اخیر عضو مجلس اعیان انتصاب گردید. در سوم جدی 1340 ش - مطابق 24 دسمبر 1961 م بعمر 76 سالگی وفات نمود. "بعد از وفات بسمل اشعار و نوشته هایش به دست پسر بزرگش محمد اسلم بسمل زاده قرار گرفت. وی اشعار پدرش را به شکل دیوانی ترتیب کرده و آماده چاپ نمود، مگر رژیم شاهی و مطبوعات دولتی وقت مانع چاپ آن گردید. زیرا به مذاق شان برابر نبود حتی زمانی که بسمل داعی اجل را لبیک گفت، سردار محمد داود صدراعظم وقت به مطبوعات هدایت داده بود، که درباره زنده گی سیاسی و ادبی بسمل چیزی انتشار ندهند." ⁴

به قول از دو استاد سخن «پرتو نادری» و «لطیف ناظمی» در شعر «بسمل» دل سپرده مکتب هندی و به خصوص شیفته شیوه «ابوالمعانی بیدل دهلوی» است.

³ - غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد دوم طبع 1999 ویرجینیا ایالات متحده امریکا ص 167

⁴ - محمد حیدر اختر - نشر مجدد دیوان اشعار استاد محمد انور بسمل - کابل ناتھ - شماره 158 سال هفتم قوس و جدی 1390 - 14 دسمبر 2011